اسرار نامکشوف بنای «هارونیه»

درباره سرگذشت «هارونیه»، بنایی واقع در تابران توس که امروزه بر کرانه غربی بولوار شاهنامه (مسیر آرامگاه فردوسی به بزرگراه مشهد - قوچان) قرار دارد حرف و حدیث‌های بسیاری نقل می‌کنند، برخی آن را محل درس دادن امام محمد غزالی می‌دانند و گروهی «هارونیه» را ساختمانی از عهد مغول می‌خوانند. در این نوشتار، به بررسی رمز و رازهای این بنای ناشناخته پرداخته‌ایم؛ معماهایی که کسی هنوز آن‌ها را حل نکرده است

جواد نوائیان رودسری
j.navaean@khorasannews.com

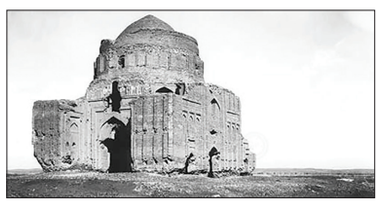

در روزگار قدیم، «توس» به ولایت «هزار آبادی» شهرت داشت و این شهرت، ناشی از آبادانی و رونق کشاورزی، صنعت و تجارت در این دیار بود؛ دیاری که دو شهر بزرگ «تابران» و «نوغان» و دو شهر کوچک «تروغبذ» (طرقبه) و «رادکان» در محدوده آن قرار می‌گرفت. حاکم‌نشین ولایت توس را، «تابران» دانسته‌اند؛ شهری به غایت بزرگ و نیکو که تا سال ۷۹۱ق، با وجود از سرگذراندن حملات تاراج‌گرانه غُزها و مغولان، همچنان به حیات مقتدرانه خود ادامه داد، اما در این سال و در پی سرکشی حاکم «تابران»، حاجی بیگ جانی قربانی در مقابل تیمور لنگ، گرفتار تیغ بی‌دریغ فرزند دیوانه او، میرانشاه شد. هجوم میرانشاه به تابران، این شهر کهن سال را به نیستی کشاند. می‌گویند در آن هجمه، ۱۰ هزار نفر کشته شدند و آنان که باقی ماندند، راه مشهد را در پیش گرفتند تا در پناه امنیت حرم ثامن الحجج(ع)، از کینه‌توزی تیمور لنگ و احفادش رهایی یابند و چنین شد که ستاره اقبال «تابران» افول کرد. این شهر باستانی به تاریخ پیوست و امروز، از آن شکوه و جلال، چیزی جز آرامگاه نوساز حکیم توس، بخشی از باروی مخروبه شهر و بنایی که آن را «هارونیه» می‌خوانند، باقی نمانده است؛ بنایی پر راز و رمز که درباره کاربری و حتی زمان ساخت آن، حرف و حدیث بسیار است و همچون رازی سر به مهر در تاریخ خراسان باقی مانده. ما در این نوشتار، به دنبال یافتن جوابی برای پرسش‌های‌مان درباره بنای «هارونیه» هستیم. آن چه در این مقاله مرور می‌کنیم، قطعاً حرف نهایی نیست و شاید اهل فن بر آن خُرده بسیار بگیرند؛ اما بی‌تردید بخشی از شواهد قابل بررسی درباره بقعه هارونیه و پیشینه آن است؛ شواهدی که می‌تواند بر نوع نگاه مخاطبان خراسانی و غیر آن‌ها، بر این بنای باشکوه، اما ناشناخته، تأثیر بگذارد.

■ **یک بنا با کاربری نامعلوم!**

اگر از مسیر بولوار شاهنامه که اتوبان مشهد - قوچان را به تابران توس و مجموعه آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی وصل می‌کند، عبور کرده باشید، حتماً بنای «هارونیه» را بر کرانه غربی جاده دیده‌اید؛ بنایی آجری و مُعظّم که بعد از مرمت‌های دهه‌های گذشته، سیمای باوقار آن احیا شده است. هارونیه، به‌دلیل شاخص بودن بنا و متفاوت بودن چهره آن نسبت به محیط اطراف، از دیرباز مورد توجه جهانگردان و پژوهشگران بوده و بارها به وجود آن در نزدیکی مشهد اشاره کرده‌اند و حتی تصاویری از آن نیز، در آثار آن‌ها وجود دارد. «کلنل پیت» و «خانیکوف» که هر دو در اواخر دهه ۱۲۳۰ خورشیدی از محل بنای هارونیه دیدن کرده‌اند، درباره نام و کاربری آن به تردید سخن می‌گویند؛ «پیت» صراحتاً می‌نویسد که «کاربری این بنا معلوم نیست» و «خانیکوف» که باید سفرنامه وی را، به دلیل رویکردهای ویژه استعماری، یکی از دقیق‌ترین گزارش‌ها درباره مشهد و مناطق اطراف آن در نیمه نخست سلطنت ناصرالدین شاه بدانیم، درباره هارونیه، چنین اظهار نظر می‌کند: «اکنون در محل سابق شهر وسیع و قدیمی توس (تابران) که آثار حصاری در اطراف آن به چشم می‌خورد، گندم کشت می‌کنند و تنها دو ویرانه مشاهده می‌شود: بقایای برجی که به احتمال قوی مأمن نگهبانان بوده و دیگری خرابه‌های مسجدی که می‌بایست در گذشته بنای معتبری بوده باشد.» نظیر این تعبیرات در آثار دیگر گزارش‌نویسان اروپایی مانند «پرسی سایکس» و «جکسون» نیز، دیده می‌شود؛ اولی هارونیه را «مقبره ویران» و دومی در اشتباهی آشکار، آن را «مقبره فردوسی» می‌داند. این تردیدها، ریشه در نامعلوم بودن زمان ساخت و کاربری بنا در متون تاریخی مربوط به پیشینه خراسان و نیز، خالی بودن ذهن مردم منطقه از گزارش‌های تاریخ شفاهی در این باره دارد. موضوعی که برای عبور از آن، نیازمند مرور شواهد بیشتری هستیم.

■ **دیدگاه نخست: میراثی از عهد سلجوقی**

برخی معتقدند که بنای هارونیه، همان مسجد جامع تابران است که طبق گزارش محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در «مرآت البلدان» و میرزا محمدحسن زنوزی در «ریاض الجنة» از آثار خواجه نظام‌الملک توسی است. اما تقریباً تردیدی نداریم که شکل بنا، کاربری آن به عنوان مسجد را نشان نمی‌دهد؛ بلکه عموم باستان شناسان، آن را شبیه خانقاه می‌دانند. زنده‌یاد عبدالحمید مولوی، خراسان‌پژوه نامی معاصر، در مقاله مفصلش با عنوان «بقعه هارونیه» در مجله «مطالعات اسلامی» (پاییز ۱۳۵۲) این بنا را خانقاه معرفی می‌کند و به نقل از مرحوم استاد عزیزا... عطاردی به ذکر دلیل نام گذاری آن می‌پردازد. وی می‌نویسد که این بنا، احتمالاً خانقاهی منسوب به درایوش «چَشتی» بوده است، درایوشی که پیرو و مرید شخصی به نام عثمان بن هارون چَشتی بوده‌اند؛ امروزه پیروان چشتی، ساکن هندوستان و شهر «اجمیر» هستند و در خراسان، کسی از ایشان حضور ندارد. «چَشت»، روستایی نزدیک به هرات و زادگاه عثمان بوده است. مرحوم مولوی به نقل از استاد عطاردی، این امر را محتمل می‌داند که نام گذاری بقعه با نام «هارونیه»، به یاد عثمان بن هارون چشتی، مهتر و قطب چشتی‌ها بوده است. این ادعا، البته به دلایلی، چندان قرین صواب نیست، یکی این که اگر بنای نام گذاری به نام قطب «چشتیه» بود، باید هارونیه را «عثمانیه» می‌نامیدند و نه «هارونیه». دیگر این که برای این ادعا، هنوز شواهدی در متون تاریخی پیدا نشده است. از طرفی، تحقیقات دوره‌های بعد که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد، کلا صحت این دیدگاه را منتفی می‌کند. مرحوم مولوی، افزون بر نقل روایت استاد عطاردی، به موضوع حضور امام محمد غزالی (درگذشته ۵۰۵ق) در هارونیه اشاره می‌کند و بی‌میل نیست که این بنا را، مَدْرَس غزالی بداند که در اواخر عمر، در زادگاهش توس ساکن شد، به تصوف گرایید و به تبلیغ آن پرداخت. ماحصل سخن زنده‌یاد عبدالحمید مولوی و کسانی که مانند او می‌اندیشند، تاریخ ساخت بنا را به قرن پنجم هجری قمری و دوران حکومت سلجوقیان می‌برد. مرحوم مولوی، در متن خود صراحتاً از شباهت بنا با ابنیه این دوره تاریخی صحبت می‌کند، هر چند دلیلی بر سخن خود اقامه نمی‌کند؛ مانند برخی دیگر از پژوهشگران، همچون «هرتسفلد» که این دیدگاه را در آثارشان، بدون آوردن شواهد قابل اعتنا، عرضه کرده‌اند.

■ **دیدگاه دوم: میراثی از عهد ایلخانی**

دیدگاه دیگر درباره تاریخ و کاربرد بنای هارونیه، با نظر نخست تفاوتی اساسی دارد، هر چند که در خانقاه بودن بنا، هم‌داستان است. بر اساس این دیدگاه، بنای هارونیه پس از حمله مغولان و احتمالا در قرن هشتم ساخته شد. این دیدگاه، بیشتر مبتنی بر داده‌های معماری و باستان شناسی است. به عنوان نمونه، ساخت و شکل معماری بنا را با آثاری همچون بنای «سلطانیه» و گنبد «جبلیه» کرمان مقایسه کرده‌اند. از سوی دیگر، شواهد و گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که تابران توس، در هنگامه هجوم مغولان و تا سال ۶۳۷ق، سه بار هدف هجمه قرار گرفت و به آتش کشیده شد. گزارش عطاملک جوینی از این رویداد در «جهانگشا»، سخت تکان‌دهنده است؛ وی پس از اشاره به آغاز عمارت دوباره توس توسط حاکم برکشیده مغولان، به تشریح وضعیت شهر می‌پردازد و می‌نویسد: «از طوس نامی بیش نبود، در تمامت شهر پنجاه خانه مسکون نبود و آن نیز، یکان یکان در هر زاویه‌ای یکی آرام گرفته و میان رسوم اسواق چنان شده که وقت ممرّ و جواز، پای دو خر از خاشاک و خار حکم التفّت السّاق بالسّاق برگرفت.» به این ترتیب، از ابنیه شاخص تابران توس، چیزی باقی نمانده بود و از طرفی، بعید به نظر می‌رسد که بقای ساختمان بزرگی مانند «هارونیه»، در ذکر حوادث تاریخی هجوم مغولان به توس، از قلم افتاده باشد. با این فرض، باید ساخت بنای هارونیه را بین سال ۶۳۷ق، یعنی هجمه نهایی مغولان و سال ۷۹۱ق، یعنی زمان حمله عالم‌سوز میرانشاه برای سرکوب حاکم این خطه که پایان کار تابران را رقم زد، اتفاق افتاده باشد. واقعیت آن است که بر اساس شواهد تاریخی، این دقیق‌ترین حدسی است که می‌توان درباره بنای هارونیه زد و با توجه به نظرِ نسبتاً قاطع درباره خانقاه بودن این بنا، احتمالاً باید آن را خانقاهی ساخته شده در دوره ایلخانی یا تیموری بدانیم. اما سوال مهم و اساسی که با طرح این دیدگاه مطرح می‌شود، آن است که این بنا، متعلق به کدام جریان بوده که چنین با عظمت و پرطمطراق ساخته شده است؟ از میان جریان‌های متعدد با گرایش‌های صوفیانه که بازار آن‌ها در عهد ایلخانی و تیموری به شدت گرم شده بود، کدام جریان می‌توانست چنین ثروتمند و بدون بیم از آسیب دیگران به بنا، آن را برپا و استوار کند؟ پاسخ به این مسئله، کار ساده‌ای نیست؛ مگر آن که بکوشیم جریانی مذهبی را بیابیم که ارتباطی تنگاتنگ با حکومت‌های این دوره تاریخی داشته است. یافتن چنین جریانی، آن هم با رویکرد توأم با تساهل و تسامح مغولان درباره پیروان مذاهب و حتی ادیان - تا آن جا که یهودیان توانستند به وزارت ارغون، چهارمین ایلخان مغول برسند - ابداً کار ساده‌ای نیست و اما و اگرهای فراوانی به دنبال هر ادعا، روان خواهد شد.

■ **دیدگاه سوم: یادگار دوره سربداران**

برای رفع این مشکل، البته نظرات متعدد و متناقضی ارائه شده است؛ اما آن چه نظر نگارنده این سطور را به خود جلب کرد، دیدگاهی بود که دو باستان شناس، در یک مقاله علمی، ابراز کرده بودند. حسین کوهستانی و علی زارعی، دو تن از اعضای گروه باستان شناسی دانشگاه بیرجند، در مقاله‌ای با عنوان «کارکرد و معماری بنای هارونیه توس» (مجله باغ نظر؛ پژوهش‌های نظری هنر - شماره ۶۴، مهر ۱۳۹۷)، با اتکا به شواهد باستان شناسی، از جمله شواهدی که نشان می‌دهد بنای هارونیه، بنایی ناتمام بوده است، به این باور رسیده‌اند که بنای مذکور، از ابنیه ساخته شده به دست «سربداران» بوده و باید در حدود سال ۷۶۰ق که دوران تسلط این حکومت بر مناطق توس و مشهد است، ساخته شده باشد. در این مقاله آمده است: «با بررسی متون تاریخی، به احتمال فراوان می‌توان تاریخ اولیه ساخت بنای هارونیه و همچنین علت ناتمام ماندن این بنا از نظر ساختمانی را در دوره کوتاه حکومت شیعه سربداران که از سال ۷۵۶ تا ۷۶۶ق به طور کامل بر توس مسلط بودند و بر اساس نوشته‌های دولتشاه سمرقندی کارهای عمرانی زیادی را در این شهر انجام دادند، جست‌وجو کرد.» کوهستانی و زارعی معتقدند که بنای هارونیه، بخشی از فعالیت‌های عمرانی سربداران در منطقه توس و شهر تابران بوده است. این دیدگاه با برخی شواهد موجود در ابنیه تاریخی مشهد، از جمله کاشی‌های مربوط به این دوره در حرم مطهر رضوی، تطبیق دارد. «پطروشفسکی»، ایران‌شناس مشهور در کتاب «نهضت سربداران خراسان» به گزارش «دولتشاه سمرقندی» در «تذکرة الشعرا» اشاره می‌کند و می‌نویسد: «یحیی کَرابی (یکی از اُمرای سربداران) به درویشان طریقت شیخ حسن جوری حرمت می‌داشت. عدهٔ لشکریانی که در زمان او از دولت مواجب می‌گرفتند به ۲۲۰۰۰ بالغ گشته بود و چون توابع طوس و مشهد بر اثر بهره‌برداری سبعانهٔ امیران جانی قربانی بالکل ویران شده بود سربداران پس از آزاد کردن نواحی مزبور اقداماتی به عمل آوردند و... [طبق روایت دولتشاه سمرقندی] خرابی‌هایی که لشکر جانی قربانی در طوس کرده بودند به تلافی آن مشغول شد(ند) و قنوات ولایات طوس و مشهد جاری ساخت(ند).» این دیدگاه، البته به شواهد باستان شناسی متعددی نیز، وابسته است که آوردن آن‌ها در این نوشتار مختصر، مایه اطاله کلام است و علاقه‌مندان را به مطالعه اصل مقاله ارجاع می‌دهیم.

■ **چه کسی گفت: «هارونیه»؟!**

اما ابهام درباره دلیل نام گذاری بنا باقی است و نمی‌توان درباره آن، نظر درست و دقیقی داد. در روایت شفاهی مردم منطقه، از هارونیه به عنوان «زندان هارون» یاد می‌شود که بی‌تردید منظور از هارون، خلیفه مشهور عباسی است که قبر وی در مشهد قرار دارد. به اعتقاد مردم منطقه، این زندان، زندانی است که در آن، به دستور خلیفه عباسی ۴۰ نفر از سادات را کُشته اند و در جرز دیوارها مدفون کرده‌اند؛ اما این روایت، به غایت غیرقابل قبول است و شما خواننده گرامی، دلیل آن را به تفصیل در این نوشتار ملاحظه کرده‌اید. از سوی دیگر، در گزارش‌های پیش از یکصد سال قبل، نشانی از نام «هارونیه» نیست؛ هیچ کدام از سیاحان، از خانیکوف بگیرید تا هانری رنه دالمانی و حتی سفرنامه‌نویسان ایرانی، در گزارش خود به نام «هارونیه» اشاره نمی‌کنند. بنابراین، می‌توان چنین پنداشت که نام هارونیه، برگرفته از افسانه‌ای کم‌سن‌وسال در میان اهالی منطقه است که خواسته‌اند میان پیشینه تابران، با پیشینه مشهد، ارتباطی تاریخی ایجاد کنند.

تاریخ اجتماعی

نگاهی به عادات غذایی ایرانیانِ عهد صفوی

بی‌خیال ناهار، شام را عشق است!

از آشپزهای ماهر دوره صفوی، دو کتاب یا رساله باقی مانده و به دست ما رسیده است؛ یکی رساله «کارنامه»، نوشته حاجی محمد بغدادی، آشپز دربار شاه اسماعیل صفوی و دیگری، «مادة‌الحیوة» نوشته نورا... خان، آشپز شاه عباس یکم. هر دو رساله در خود، افزون بر روش طبخ غذاهای ایرانی، گزارشی از عادات غذایی ایرانیان را هم ثبت کرده‌اند که بسیار خواندنی است. طبق این گزارش‌ها، مردم عادی در دوره شاه عباس، دو وعده غذایی داشتند؛ یکی چاشت یا همان صبحانه و دیگری، شام. البته در برخی از مشاغل، وعده سومی را هم به وعده‌های غذایی اضافه می‌کردند که ناهار بود؛ اما ناهار خیلی جدی گرفته نمی‌شد و شاید به عنوان یک میان وعده به آن نگاه می‌کردند. ایرانیان نه در وعده صبحانه و نه وعده ناهار (اگر آن را صرف می‌کردند)، اقبالی به غذای گرم و طبخ شده نداشتند. به دیگر سخن، صبحانه و ناهار آن‌ها عبارت بود از غذای حاضری، مثل لبنیات، میوه‌جات و احیاناً مواد غذایی شیرینی مانند مربا. در عوض وعده شام، بسیار مفصل و چرب تهیه و صرف می‌شد. برای یک خانواده متوسط ایرانی در این دوره، شام ترکیبی از مواد غذایی پرحجم، مانند گوشت، برنج، گندم، حبوبات و... بود. پلوها جایگاه ویژه‌ای در غذای وعده شام داشتند؛ قاورمه‌پلو (قرمه‌پلو)، بریان‌پلو، نرگسی‌پلو، لیموپلو، به‌لیموپلو، قبولی مرصع و... از انواع غذاهایی هستند که برنج در آن‌ها نقش اصلی را داشت و در دوره صفوی مورد علاقه مردم ایران بود. دستورهای غذایی هر دو نویسنده رساله آشپزی در دوره صفویه، نشان می‌دهد که حجم چربی در مواد غذایی وعده شام بسیار بالا بوده است. این عادت غذایی در دوره‌های بعد به صبحانه هم تعمیم یافت و به ویژه از دوره قاجار، کله‌پزی‌ها به عنوان تأمین کننده صبحانه لذیذ و کامل، محل مراجعه و توجه بودند. البته در آن زمان، به دلیل فعالیت بدنی زیاد، تأثیر این چربی‌ها چندان به چشم نمی‌آمد؛ اما در دوران ما، تمسک به آن شیوه غذایی، مستلزم پذیرفتن عواقب سوء و بیماری‌های خطرناکی است.

ایران باستان

شوالیه‌های پارسی بلای جانِ رومی‌ها

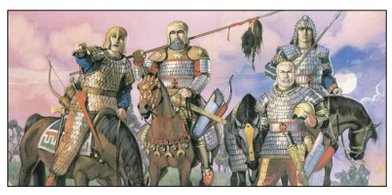

«شوالیه پارسی، لباسی تمام آهنین دارد. تمام اعضای بدن او در میان ورق‌های قطور فلزی پوشیده شده است و در بین اعضا، مفصل‌های فلزی قرار دارند. با مهارت تمام، جمجمه‌ای فلزی سرش را فرا گرفته است. هیچ پیکان و نیزه‌ای در او اثر نمی‌کند. شاید تنها راه نفوذ بر آن، باریکه کوچکی باشد که از طریق آن می‌بیند یا سوراخ‌های ریزی که برای تنفس وی تعبیه شده است. اسب او هم توسط پوشش چرم و آهن محافظت می‌شود.» این گزارش «آمیانوس مارسلینوس» درباره تجهیزات رزمی سواران سنگین اسلحه ایرانی است؛ گروهی از نظامیان ارتش مقتدر ایران در سال ۳۶۳ میلادی؛ یعنی زمانی که یولیانوس یا ژولیان، امپراتور مقتدر روم، کوشید تا مرزهای سرزمین ایران را در نوردد، اما در برابر دفاع جانانه پارسیان شکستی مذبوحانه خورد و با دگار این شکست، امروز در نقش برجسته «طاق بستان» کرمانشاه، در معرض دید عموم قرار دارد؛ ژولیان به پای اسب شاپور دوم ساسانی افتاده است و تقاضای بخشش می‌کند. آمیانوس، نویسنده این متن، خود در جنگ میان ژولیان و شاپور دوم حضور داشت. او نیز مانند مورخان پیشین رومی، وحشت سربازان اشغالگر از سربازان آموزش دیده ایرانی و چابکی و رزم‌آوری سواران پارسی زیر ده‌ها کیلوگرم آهن و فولاد را توصیف کرده است. روایت آمیانوس در واقع گوشه‌ای از توانایی نظامی و قدرت تسلیحاتی ایرانیان را به نمایش می‌گذارد. او می‌افزاید: «ایرانیان افواج منظم سواره نظام زره‌پوش را با صفوفی چنان انبوه به مقابله رومیان فرستادند که از برق زره و سلاح آنان، چشم ما خیره می‌شد. افواج سوار، گویی یکپارچه آهن بودند... بعضی از آن‌ها نیزه‌ای در دست داشتند و در یک جا بی‌حرکت می‌ایستادند، چنان که گفتی به وسیله زنجیر آهن به هم متصل شده‌اند. در جوار آنان، تیراندازان دست‌ها را دراز و کمان خود را به زه می‌کردند، آن گونه که زه به جانب راست سینه تماس می‌یافت و پیکان تیر، به دست چپ می‌پیوست. در اثر فشار ماهرانه انگشت، تیر می‌جست و خروشی از آن برمی‌خاست.»

تاریخ جهان

«شهر ممنوعه»؛ کاخی که ۲۴ امپراتور دید

شهر ممنوعه، محل زندگی امپراتورهای چین بود و در حدود سال ۱۴۰۶ میلادی (۷۸۵ خورشیدی) در محل شهر قدیمی پکن، با دستور «جودی»، دومین امپراتور دودمان «مینگ» ساخته شد. سلسله مینگ، دودمانی چینی بود که پس از فروپاشی امپراتوری مغولان در این سرزمین، روی کار آمد. شهر ممنوعه، از آن رو ممنوعه نامیده می‌شد که محل سکونت امپراتور بود. ساختمان بناهای این شهر، عموماً از چوب بود و برخی ادعا می‌کنند که این مجموعه، بزرگ‌ترین مجموعه ساختمانی چوبی در تمام دنیاست. مساحت شهر ممنوعه، ۷۲ هکتار است و دیواری با ارتفاع ۱۰ متر و خندقی به عرض ۵۲ متر از آن حفاظت می‌کند. دیوارها بسیار ضخیم ساخته شده‌اند به طوری که گلوله‌های توپ نتوانند آن‌ها را منهدم کنند. طبق یک روایت تاریخی، در زمان سلسله مینگ، ۱۰۰ هزار صنعتگر و یک میلیون کارگر در احداث بنای شهر ممنوعه شرکت داشتند. دیوارهای شهر ممنوعه به رنگ سرخ درآمده‌اند که در چین رنگ تقدس و شادی است. مصالح لازم برای احداث شهر، از سراسر چین و هزاران کیلومتر آن طرف‌تر به محل احداث آورده شد. شهر ممنوعه، بیش از ۹ هزار اتاق دارد و ۱۴ سال برای ساختن آن وقت صرف شد. بین سال‌های ۱۴۱۱ تا ۱۹۱۱ میلادی، یعنی به مدت ۵۰۰ سال، ۲۴ امپراتور از دو سلسله مینگ و مانچو در این شهر زندگی و حکومت کردند.

آگهی مزایده عمومی شماره ۲۰۰۲۰۵۰۳۵۲۰۰۰۰۰۱

شهرداری طرقبه در نظر دارد نسبت به فروش یک واحد آپارتمان، با جزئیات مندرج در اسناد مزایده با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir با شماره ۲۰۰۲۰۵۰۳۵۲۰۰۰۰۰۱ به صورت الکترونیکی به فروش برساند.

- تاریخ انتشار اسناد در سایت از ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۳ می باشد.
- مهلت دریافت اسناد مزایده از سایت تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۸
- تاریخ بازدید از ۱۴۰۲/۰۵/۲۳ تا ۱۴۰۲/۰۵/۲۸ از ساعت ۸ صبح تا ۱۲
- مهلت ارائه پیشنهاد تا ساعت ۱۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۰۹
- زمان بازگشایی پاکت ها ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی می باشد:

۱. برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده (در صورت وجود هزینه مربوطه)، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکات، اعلام به برنده، واریز وجه مزایده و تحویل غرفه در بستر سامانه از این طریق امکان پذیر می باشد.

۲. علاقه مندان به شرکت در مزایده می بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی الکترونیکی (توکن) با شماره های ذیل تماس حاصل نمایند:

مرکز پشتیبانی و راهبری سامانه: ۴۱۹۳۴-۰۲۱

اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش "ثبت نام/پروفایل مزایده گر" موجود است.

- شماره تماس جهت کسب اطلاعات بیشتر ۳۴۲۲۲۲۱۳ داخلی ۲۰۹

روابط عمومی شهرداری طرقبه

۳۱۰۱۸

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای (تجدید مناقصه)

شهرداری طرقبه در نظر دارد مناقصه عمومی عملیات ترمیم و بهسازی معابر سطح شهر به شماره ۲۰۰۲۰۵۰۳۵۲۰۰۰۰۱۸ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید؛ کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۲/۰۵/۱۹ می باشد.
- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت ساعت ۱۹ روز پنجشنبه ۱۴۰۲/۰۵/۲۶
- مهلت زمانی ارسال پیشنهاد ساعت ۱۲ روز دوشنبه ۱۴۰۲/۰۶/۰۶
- زمان بازگشایی پاکت ها ساعت ۱۲ روز سه شنبه ۱۴۰۲/۰۶/۰۷

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف: طرقبه، بلوار معلم، جنب پارک پونه، ساختمان شهرداری، تلفن ۰۵۱۳۴۲۲۲۲۱۳ امور قراردادها داخلی ۲۱۶ - واحد عمران داخلی ۳۳۲

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:

مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش "ثبت نام/پروفایل تأمین کننده/مناقصه گر" موجود است.

روابط عمومی شهرداری طرقبه

۳۰۵۷۰